

مبارزه کارگران خباز سقز، تجسم همسرنوشتی کارگری

کشمکشهای کارگران خباز سقز با مقامات دولت و کارفرمایان تا هم اکنون دستاوردها و تجارب ارزندهای داشته که دستمایه بزرگی برای ادامه آن تا موفقیت کامل و مبارزات آتی است. اینکه در مذاکرات کارگران با نمایندگان دولت و کارفرمایان در روز شنبه ۸ دیماه ۱۳۸۰ (۲۹ دسامبر)، استانداری کردستان مصوبه خود را پس گرفت خود موفقیتی است.



خالد حاج محمدی
khaledhaji@yahoo.com

کارگران را میرساند و دستاوردی جدی در مبارزات کارگری به حساب میاید که باید از آن استفاده کرد. کارگران خباز سقز در این جریان هوشیارانه گروههای تبلیغ و تدارکاتی خود را سازمان دادند و از این طریق وارد وسیعترین ارتباطات با بخشهای دیگر و تشکلات دیگر کارگری شدند. کارگران با این کار خود افق سراسری را پیش پای خود گذاشتند و بدین شیوه عملا قدرتی فرا صنفی و فرا محلی را برای دفاع از خواست خود بسیج کردند. امروز نه تنها کارگران خباز سقز بلکه کل

صفحه ۲

جلوهای نوین
از همبستگی کارگری

صفحه ۴

لیست تشکلهای
که از خواست
کارگران خباز سقز
و حومه حمایت
کرده اند

صفحه ۴

سخنی با تشکلهای کارگران خباز در استان کردستان

رحمان حسین زاده
r_hoseinzadeh@yahoo.com

سقز یعنی لغو مصوبه ضد کارگری استانداری کردستان، دستاوردهای با ارزش تاکنونی

صفحه ۲

و همبستگی کارگران چندین شکل و مراکز کارگری از چندین شهر ایران از آن، انعکاس گسترده این موضوع در خارج کشور و تحقق اولین خواست کارگران خباز

دوستان عزیز، سلام گرم مرا بپذیرید. تحرك و تلاش اخیر سندیکای کارگران خباز شهر سقز و حومه برای مطالبات برحق خود، حمایت



سردبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

راديو انترناسيونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر راديو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

توسعه فرهنگ ملی، همراه حزب دمکرات پیرامون "جنبش فرهنگی" در کردستان ایران

اظهار نظر کرده اند. قبلا ما با نقد اسناد و مواضع سازمان زحمتکشان میگفیم که این جماعت ناسیونالیست و قوم پرستند، حالا که مصوبات به اصطلاح کنگره نهمشان نیز منتشر شده است، میتوان بروشنی نشان داد نه تنها ناسیونالیست و قوم پرستند، بلکه با چه سرعتی نیز خود را در انتهای کمپ ارتجاع انداخته اند. حیات سیاسی حزب دمکرات چیزی جز دفاع از خرافه قومی و جهل و خرافه مذهب و عقب ماندگی در جامعه کردستان از طریق همین زعبلاتی که آن را "جنبش نوین فرهنگی" نام گذاشته اند، نبوده است. می بینیم جماعت سازمان زحمتکشان نیز دیر از

صفحه ۳

".. این جنبش کل جامعه کردستان را به پیش میبرد". همچنین در توجه نویسندگان آن نیز میافزایند که: "محدودیتهای سیاسی و سانسور را که زبان خاصی به روشنفکران و نویسندگان تحمیل میکند به رسمیت میشناسد". من تا آنجا که در این نوشته میگویند به این مساله و کوبیدن طبل "جنبش نوین فرهنگی" سازمان زحمتکشان بدنیاال حزب دمکرات میپردازم. قبلا ایرج فرزاد و بعدا رحمان حسین زاده نیز نسبتا به تفصیل در این مورد در ایسکرای شماره ۸۲ و ۸۷

فرهنگی" در کردستان ایران و بدنیاال آن سازمان زحمتکشان نیز در مصوبه به اصطلاح کنگره نهم خود از یک "جنبش نوین فرهنگی" در کردستان ایران در دهه گذشته خبر میدهند و هر دو از این رویداد از خوشحالی سرپا از نمیشناسند. حزب دمکرات تمام هنر خود را بکار برده است که از این "رشد و گسترش فرهنگی" در کردستان تعریف و تمجید کند و سازمان زحمتکشان نیز معتقد است که.. این ریشه در رشد خودآگاهی در فرهنگ ملی خلق کرد دارد. ادعا میکند که



حسین مرادیگی

حزب دمکرات کردستان ایران در کردستان شماره ۳۲۹ از یک دهه "رشد و گسترش جنبش

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سخنی با تشکلهای کارگران خباز

هستند که مایه خوشحالی من و دوستان من و همه انسانهایی است که خود را در صف کارگران و شریک تلاش و مبارزه شما میدانند. من در پیام قبلی برجایگاه و اهمیت همبستگی طبقاتی و کارگری ایجاد شده در ابعاد سراسری ایران و پیشروی تاکنونی تاکید کردم. اما در اینجا به این دلیل که مصوبه و یا تصمیم بعدی استانداری کردستان و دیگر مقامات ذیربط در آن استان شامل حال همه تشکلهای کارگران خباز در استان کردستان میشود در نتیجه روی سخن مشخصا با انجمنهای صنفی و سندیکاهای کارگران خباز شهرهای استان کردستان است و اجازه میخوام به عنوان کسی که خود را شریک تلاش و مبارزه شما میدانم، چند نکتهای را مطرح کنم.

۱- مصوبه ضد کارگری استانداری کردستان با عکس العمل و اقدام به موقع سندیکای کارگران خباز سقز و

حمایت و همبستگی شما و دیگر تشکلهای و مراکز کارگری از دیگر شهرهای ایران لغو شده است، اما استانداری و دیگر مقامات هنوز با خواست دوم یعنی افزایش دستمزد کارگران خباز و تعیین دستمزد با دخالت مستقیم نمایندگان کارگران موافقت نکرده اند. خودتان بهتر در جریان هستید که وعده داده اند روز پانزدهم دی ماه در اینمورد تصمیمشان را به کارگران خباز سقز اطلاع دهند.

۲- میخوام تاکید کنم جواییه استانداری و مقامات رژیم در استان کردستان، تنها شامل حال کارگران خباز سقز نمیشود، بلکه این جواییه است به همه تشکلهای و کارگران خباز در استان کردستان، همچنانکه مصوبه ضد کارگری قبلی هم در صورت اجرا شامل همه کارگران خباز در استان کردستان میشد. در صورتیکه جواییه ۱۵ دی ماه تامین کننده خواست افزایش دستمزد در سطح مورد نظر شما نباشد، جا دارد از هم اکنون

نمایندگان کارگران خباز از همه شهرهای استان کردستان در فکر اقدام مشترک و هماهنگ برای مقابله با تصمیم مقامات رژیم در استان باشند. به نظرم و با توجه به تجارب بدست آمده این بار مناسب نیست مثل دفعه قبل و در مقابله با مصوبه استانداری کردستان تنها کارگران خباز سقز و حومه اقدام نمایند و دیگر تشکلهای خبازان استان فقط به صدور بیانیه حمایتی (با وجود اهمیت آن) اکتفا نمایند. خواست افزایش دستمزد خواست مشترک شما و موافقت و یا مخالفت مقامات در استان کردستان شامل حال همه شماست. این مسئله ایجاب میکند از هم اکنون انجمنهای صنفی خبازان شهرهای سنندج، مریوان سقز، بانه، کامیاران، و ... با تعیین هیئتی مشترک و اقدامات مشخص برای رسیدن به خواست مشترک خود اقدام کنند. تجارب قبلی و حمایت گسترده تاکنونی و شرایط مساعدتری که ایجاد شده، امکان چنین صفتبندی کارگران خباز را در سطح استان ایجاد کرده است.

۳- اگرچه استانداری مصوبه مشخصا استانداری کردستان و اداره کارش و کارفرمایان نباید ما را از پیگیری کارمان دلسرد کند. آنها وقت میخرند و طبق معمول سعی دارند با وعده و وعید مسئله را خاتمه دهند و با گذشت زمان، جو و فضای مبارزاتی موجود را شکسته تا کارگران را مجبور کنند کوتا آمده و عقب نشینی کنند. این دقیقا آن هدفی است که کاربدستان رژیم و کارفرمایان تعقیب میکنند. آنان در نشست روز سهشنبه با کارگران سندیکای خبازان بوکان گفته اند تا او سال ۸۱ به شرط متحصن نشدن کارگران به خواستهایشان رسیدگی خواهند کرد. این جواب چیزی جز کلاهبرداری و دهن کجی به خواست بر حق و انسانی کارگران نمیشد. ما نیز باید تلاش کنیم کار خود را در ابعاد هر چه گسترده تر ادامه دهیم و توده هر چه وسیعتری از کارگران و مردم را به دفاع از مطالبات خود به پشت این مبارزه بکشانیم و فشار خود را افزایش دهیم. نمایندگان کارگران خباز در این فاصله و تا موفقیت قطعی جا

ضد کارگری قبلی خود را پس گرفته و ظاهرا چهره "سازش پذیری" به خود گرفته اما کاملا پیداست با وعده و وعیدها و امروز به فردا کردن و وقت خریدن، دنبال حيله و نیرنگ و ترافندی است که از موافقت با افزایش دستمزد مورد نظر شما سرباز زند، در این رابطه باید کاملا با هوشیاری طرحها و توطئه های احتمالی آنها را خنثی نمود. (همانطور که توطئه شرکت ندادن محمود صالحی در مذاکرات روز شنبه گذشته خنثی شد).

۴- تا مقطع گرفتن جواب قطعی از جانب مقامات دولتی، و موافقت با خواست افزایش دستمزد، جا دارد برای جلب حمایت و همبستگی بیشترین بخشها و مراکز کارگری ایران و بویژه رشته های کلیدی و صنعتی کارگری در ایران، لحظه ای وقفه و تاخیر نداشت. جنب و جوش روزمره مبارزات کارگری ایران و همبستگی وسیعی که تاکنون کسب کرده اید، این فضا را ایجاد کرده که بیشترین حمایتها را نه تنها در میان کارگران ایران، بلکه در میان دیگر بخشهای مردم

درد تلاش کنند به مراکز کارگری هر چه بیشتری مراجعه کرده و از آنان بخواهند تا از مبارزاتشان رسماً دفاع کنند. لازم است تماس با مراکز که تا کنون از مبارزه کارگران خباز دفاع کرده اند ادامه یابد و مرتب آنان را در جریان سیر پیشرفت کارها و نتایج مبارزه قرار داد و چه آنان و چه مراکز دیگر و مردم را به این شیوه در این فعالیت دخالت داد. مسئله دیگر اینکه کارگران خبازیهای دیگر شهرها باید تلاش کنند مستقیماً به این مبارزات پیوندند و خواستهای کارگران خباز سقز و مشخصاً خواهان افزایش دستمزدها از اول سال ۸۰ شوند. مسئله به راحتی این است که عدم افزایش دستمزدها در سال ۸۰ و مصوبه ضدکارگری استانداری کردستان تنها شامل خبازان سقز نخواهد شد بلکه کل کارگران خباز در شهرهای دیگر را چون سنندج، مریوان، کامیاران، بانه و ... را در بر خواهد گرفت. خوشبختانه تا کنون کارگران بوکان و بانه با ارسال نامه های اعتراضی، خود راسا خواهان افزایش دستمزدها و لغو مصوبه

تجسم همسرنوشتی کارگری

بخشهای کارگری و مردمی که از خواست کارگران خباز دفاع کردند خود را در موفقیتهای آنان و در همبستگی ایجاد شده سهیم میدانند. این حرکت در عین حال قوت قلب و اعتماد به مقدر بودن اتحاد و همبستگی کارگران را افزایش میدهد و میتواند سرمشق مبارزات کارگری در بخشهای دیگر باشد و الگوی از همبستگی و اتحاد را به نمایش میگذارد. اگر در جریان کمپین حزب کمونیست کارگری برای آزادی محمود صالحی نماینده دلسوز کارگران خباز سقز و همبستگی شورانگیزی که در سطح جهان فراهم شد، کارگران خباز سقز میگفتند "سندیکای ما جهانی شده است"، در دل این ماجرا نیز بار دیگر سندیکای کارگران خباز سقز و مبارزات آن در سطحی دیگر در داخل ایران مطرح شد و بر سر زبان افتاد و احساس همبستگی و همسرنوشتی را در میان کارگران زنده کرد.

رژیم دست در دست کارفرمایان تلاش کردند که رهبر کارگران خباز سقز را از شرکت در مذاکره روز شنبه ۸ دیماه حذف کنند. اما کارگران خباز و نمایندگانشان و در راس آن خود محمود صالحی به این توطئه تن نداده و همراه رفقاییش به پشت میز مذاکره رفت و نقشه مزورانه آنان را خنثی کردند.

این مدت و در دل این مبارزه سندیکای خبازان سقز به محلی برای کسب اخبار از مبارزه کارگران تبدیل شد و روزانه مردم و کارگران در خود شهر سقز و از شهرهای دیگر هم برای کسب خبر و دیدار با فعالین و نمایندگان کارگران خباز مراجعه نمودند.

این مبارز گرچه تا هم اکنون استانداری کردستان را مجبور کرده مصوبه ضد کارگری خود را پس بگیرد، اما خاتمه نیافته و چنانچه در اطلاعیه شماره ۳ کمیته کردستان هم آمده است، نتیجه نهایی به روز شنبه ۱۵ دیماه موکول شده است. لذا امروز و فردا کردن سران رژیم و

حق طلب به دست آورید، با آن تجربه و ابتکاری که دارید بیشترین حمایتها را در دفاع از تحرک و مطالبات خود کسب کنید. این حمایتها سرمایه بزرگی برای پیروزیمان در حال و آینده است. زنده همبستگی کارگری. دوست شما و همگام با شما

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ دی ماه ۱۳۸۰

تلفن:

۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷



برنامه حزب

کمونیست

کارگری را

بخوانید

ضد کارگری فوق شده اند. دایره این اعتراض و تشکلاتی که مستقیم به آن میپیوندند باید افزایش یابد. در دل این مبارز و در فضایی اعتراضی که ایجاد شده است لازم و ضروری است که کارگران خباز حداقل در استان کردستان که مستقیماً وارد رویاروی با استانداری و ادارات کار و کارفرمایان شده اند، تلاش کنند ظرف مناسب این مبارزه را نیز در سطح استان تعریف کنند. یک سال پیش با هدف هماهنگی و اتحاد در سطح کارگران خباز در شهرهای کردستان، چنین تشکلی با نام انجمن صنفی خبازیهای کردستان اعلام وجود کرد. امروز یا باید این تشکل را فعال و زنده کرد و یا اینکه پای چنین تشکلی مثلاً تحت نام "انجمن نمایندگان سندیکاهای کارگران خبازیهای استان کردستان" یا هر نام مناسب دیگری رفت و کمبود کنونی را جبران کرد. این کار چه در حال و چه در ادامه مبارزات کارگری امری حیاتی است.

۱۲ دیماه ۱۳۸۰

(۲ ژانویه ۲۰۰۲)

از صفحه اول پیرامون "جنبش فرهنگی"

راه رسیده، بعنوان نیروی جیون تر، قوم پرست تر و وردست حزب دمکرات دارند به تقدیس این جنبش میپردازند. دارند بدنبال حزب دمکرات یک مشت آشغال و جهل و خرافه قومی را بعنوان "جنبش نوین فرهنگی" در کردستان ایران، جامیزند. به این امید که "لطف و مرحمت" آن شامل حال آنان نیز بشود. "جنبش نوین فرهنگی" مورد ادعای حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان در کردستان ایران، یعنی آنچه که تحت نظارت "وزارت ارشاد" جمهوری اسلامی علنا پیش رفته است، پروژه ایست اساسا رژیم. عمر آنها نه به یک دهه گذشته بلکه به قبل از آن نیز برمیگردد. شروع آنها مربوط به دوره ایست که جمهوری اسلامی علیرغم پیشروی نظامی اش در کردستان ایران با یک جنبش اعتراضی عمومی وسیع، جنبش کارگری، جنبش برابری طلبانه زن و مرد، جنبش اعتراضی توده ای شهری که در راس آنها بخش کمونیست و رادیکال آن جامعه قرار دارد و کلیت جمهوری اسلامی را هدف گرفته است، روبرو است. پیشروی نظامی و میلیتاریزه کردن کردستان ایران فقط میزان تنفر و انزجار مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی را افزایش داده است و سران جمهوری اسلامی از بالا تا پائین مورد تنفر و انزجار اکثریت عظیم مردم کردستان ایران قرار دارند. جمهوری اسلامی برای مقابله با این صف رادیکال جامعه کردستان که نیروی خود را در همه زمینه ها علیه جمهوری اسلامی به نمایش در میآورد، و تقویت صفی ارتجاعی در مقابل آن از راه "پروژه فرهنگی" به سراغ ناسیونالیسم کرد در داخل کردستان ایران که از این ظرفیت ارتجاعی برخوردار است میروید. تا از این طریق هم جواب نیازهای یک عده را بدهد و هم برای مزدوران محلی خود جای پائی باز کند. ناسیونالیسم کرد نیز که با مبارزات رادیکال و رفاهی مردم کردستان ایران بیگانه است و با گسترش شعارها و مطالبات صف رادیکال و کمونیست در

این جامعه و عقب نشینی نیروی پیشمرگ(که کل افقش را تشکیل میدهد)، افق سیاسی خود را بیش از پیش تیره میبیند، لذا به امید آینده پشت خود را به دیوار جهل و خرافه جمهوری اسلامی تکیه میدهد. یک عده روشنفکر کهنه پرست و مذهب زده کرد و بخشا طرفدار جمهوری اسلامی نیز این "رسالت" را برعهده میگیرند. کسانی که حاضرند چشم خود را بر روی همه فجایع جمهوری اسلامی ببندند و هر جهل و خرافه ای را بشرطی که به زبان کردی باشد رواج هند تا از این طریق "جنبش ملی" خود را سرپانگهدارند. در این دوره قالب کردن خزعبالات اسلامی در بسته بندی زبان کردی شروع میشود. نگاهی به محتوای نشریه "سروه" در ابتدای انتشار آن این ادعا را اثبات میکند. در زمان رژیم سابق هم از این نمونه ها کم نبودند. توده کارگر و زنان و جوانان و دیگر مردم آزاده کردستان ایران در اعتراض به جمهوری جنایت و وحشت به کام مرگ میرفتند، این سردمداران "جنبش نوین فرهنگی" نیز داشتند جهل و خرافه اسلامی و تقدیس از جمهوری اسلامی را بزبان کردی ترویج میکردند. حالا هم حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان مشترکا خود را صاحب و وارث این ارثیه ارتجاعی میدانند و هر دو هم به آن "افتخار" میکنند.

حزب دمکرات که ظاهرا از سازمان زحمتکشان "واقع بین" تر است در جواب به سوال رژیمی بودن با نبودن این "جنبش فرهنگی" میگوید: "انکار نمی توان کرد که کارگزاران و مسئولان حکومتی در دهه دوم حاکمیت نظام اسلامی... به تدریج مجبور شدند برخی محدودیتهای و موانعی را که برای فعالیتهای انجمنهای ادبی و فرهنگی ایجاد کرده بودند، از میان بردارند" کردستان شماره ۳۲۹، ۳۰ آبان ۱۳۸۰. هر دو، هم حزب دمکرات و هم سازمان زحمتکشان البته اصرار دارند دهه اول را که قباحت ارتجاعی بودن آن ظاهرا حتی از جانب آنان نیز قابل تایید نیست قلم بگیرند تا مگر دهه بعد را که ظاهرا دوز ناسیونالیستی آن بیشتر است، از آن خود کنند.

با روی کار آمدن احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان عراق، پیدا شدن سایت مید تلویزیون که بعدا به میدیا تلویزیون تغییر نام داد، تعداد این نشریات بیشتر شد. با شکل گرفتن پروژه دوم خرداد و تلاش این جماعت برای شکل دادن به آلترناتیو مورد نظر خود در کردستان ایران و انحراف اعتراض عمومی توده کارگر و زنان و جوانان معترض به کلیت جمهوری اسلامی و محدود کردن آن به خواستههای بسیار محدود فرهنگی از قبیل برپائی جشن نوروز و یا "همایش یاد کوسه هه جیج" و خواستههایی نظیر جیایگزینی ماموران محلی و سنی و غیره که البته خواستههای ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات هم بوده و هست، تعداد این نشریات بازهم افزایش یافت. بتدریج از میزان دوز اسلامی آن کاسته میشود، همراه با حفظ اهداف پایهای آن، ستایش از جمهوری اسلامی و سیاستهای آن در کردستان ایران، اشعار و ادبیات بی خاصیتی به زبان کردی نیز امکان انتشار بیشتر پیدا میکنند. من در اینجا به نمونه های از آنها، آنها از یکی دو سه سال قبل، که ظاهرا عروج ادبیات کردی است اشاره میکنم:

" تذکره سادات و صلحای منطقه سقز (مشایخ دوزخ دره) از عمر فاروقی، نشریه آبیذر، خود نشریه آبیذر در سال ۱۳۷۷ در معرفی خود چنین مینویسد: "آبیذر ... برای مردم و انقلاب مقدس آنان و برای تقویت منطقه و هوشیار نمودن فرزندان صالح کردستان است... این هفته نامه صدای رسا و حق طلب مردم مسلمان کرد است و .. به بهای خون پاک فرزندان سترگ و قلم بدستان موحدی است که در بستر انقلاب مقدس اسلامی در کنار "امام" و "زهیر" در خدمت "ارزشها" و عزتمندی مردم و دولت بوده است."

مقبره هنرمند ملی کرد حسن زیرک ساخته شود، جغرافیای طبیعی کردستان مکریان، گذشته موسیقی در ناحیه مکریان یوکان، پسند پیغمبر از احمد خانی، ماقبل تاریخ با قوری قلعه در نزدیکی پاره، هزار(شاعر کرد) صدای انسانیت و برابری؟! موسیقی پاپ زمزمه شوم! مطالب زیادی در مورد عبدالله اوجلان و

کردستان ترکیه در جهت سیاست جمهوری اسلامی در مقابل دولت ترکیه، اسنادی از تاریخ کرد، قومیت و قوم کرد، و دهها نمونه از این قبیل، با آمیخته ای از ادبیات دوم خردادی، نظیر سیاستهای خاتمی، روزنامه ها و تهاجم فرهنگی، مطالبی در تقدیس انتخابات جمهوری اسلامی و غیره در نشریات مختلفی که در شهرهای کردستان ایران منتشر میشوند، به چاپ رسیده اند. آنچه که حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان آن را "جنبش نوین فرهنگی" در کردستان ایران نام نهاده اند! مطالبی کاملا بی خاصیت، بی ربط به مسائل واقعی جامعه و خواستههای آزادیخواهانه و رفاهی و برابری طلبانه مردم کردستان ایران، اما در عین حال نمونه ای تمام و کمال از تقلای ارتجاعی ناسیونالیسم کرد برای حفظ نیروی خود هم زیر حمایت جمهوری اسلامی و هم در چهار چوب رعایت منافع جمهوری اسلامی در کردستان از نوع دوم خردادی و غیره آن. حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان این "تحفه" ناسیونال اسلامی کرد را "جنبش نوین فرهنگی" در کردستان ایران قلمداد میکنند. این در واقع شمره "رشد خودآگاهی در فرهنگ ملی خلق کرد" است که بدنبال حزب دمکرات، سازمان زحمتکشان را نیز "شیدای" خود کرده است.

دفاع از ناسیونالیسم، قوم پرستی، و جهل و خرافه قومی بهر زبانی چه بزبان کردی، فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و غیره ارتجاعی است. برای مثال مقاومت زبان آلمانی و فرانسوی در مقابل گسترش زبان انگلیسی توسط دولتهای آلمان و فرانسه، مقاومتی است ناسیونالیستی، لیکن تلاشی است ارتجاعی و کهنه پرستانه که با پیشرفت بشریت در قرن بیست و یکم خوانائی ندارد. همینطور در کردستان ایران، صحبت از تاریخ و شرعیات و مشایخ کرد و جغرافیای موکریان که نمونه ایست از تز فدارالیسم قومی مورد علاقه سازمان زحمتکشان، یا سخن گفتن از "کوسه هه جیج" و بقول صالح سرداری "دوازده سواره مریوان" بزبان کردی، آمیزه ای از جهل و خرافه مذهب و

ناسیونالیسم و قوم پرستی کرد، مطلقا مساله توده کارگر و مردم زحمتکش و مساله زنان برابری طلب و جوانان مدرن و سکولار جامعه کردستان ایران نیست. همانطور که در دوره رژیم سابق هم نبود. اما مساله جنبش ملی کرد و یک عده روشنفکر کهنه پرست سر به آن جنبش هست. تلاش حزب دمکرات و بدنبال آن سازمان ناسیونالیستی است، اما بهمان اندازه ارتجاعی و کهنه پرستانه است. این "پروژه فرهنگی" کار کسانی است که میخواهند در کنار تقدیس سران طالبان جمهوری اسلامی و قوانین ضد بشری آن، با سکوت در مقابل سنگسار، و شرایط برده وار زن در جامعه و خانواده و خودکشی هر روز یک زن، خاموشی در مقابل بساط شلاق و اعدام و توهین و تحقیر جوانان و بیکاری هزاران بدبختی و فقر و فلاکت دیگر، گویی که برپائی "بهشت" در وسط جهنم ممکن است، جنبش ناسیونالیستی خود را که محتوایی جز این نداشته است، حفظ کنند. این پروژه در مقابل سخن گفتن از خواست جدائی دین از دولت و دخالت آن در سیاست و در زندگی خصوصی مردم، سخن گفتن از آزادی مذهب و لامذهبی، از آزادی کامل زن و مرد، از لغو آپارتایدجنسی، سخن گفتن از آزادی روابط آزادانه زن و مرد که جزو نیازهای انسانی جوانان در کردستان و در ایران است، سخن گفتن از برابریهای اجتماعی، از موسیقی پاپ و زندگی مدرن و سکولار و غیره، خرافی و ناسیونالیستی است، یک مشت آشغال است که تنها نیازهای حقیر جنبش آدمهای کهنه پرست و قوم پرست را تامین میکند. این گسترش فرهنگی نیست، این عقبگرد فرهنگی بورژوازی کرد است در خدمت منافع زمینی و ایده های ارتجاعی آن. بهمان اندازه که از نوع فارسی و عربی و غیره آن، نوع کردیش نیز ارتجاعی است. این ادبیات حتی اگر بخشا رژیمی نیز نباشند،



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اطلاعیه شماره ۳ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران جلوهای نوین از همبستگی کارگری

*استانداری کردستان مصوبه ضد کارگری خود را پس گرفت

که از مطالبات کارگران خباز پشتیبانی کنند. فراخوان کارگران خباز سقز با موج گسترده حمایت بخشهای مختلفی از کارگران از شهرهای ایران روبرو شد، که در نوع خود بیسابقه و جلوه تازه‌ای از رشد مبارزه و همبستگی کارگری را منعکس کرده و مایه پشتگرمی کارگران خباز و عاملی در به عقب نشینی وادار کردن استانداری کردستان میباشد. (لیست حمایت تشکلهای و بخشهای کارگری مختلف از این مبارزات که تاکنون به دست ماریسید در پایین اطلاعیه درج شده است)

در همین رابطه به اطلاع میرسانیم نشستی که قرار بود امروز یکشنبه ۹ دیماه ۱۳۸۰ (۳۰ دسامبر ۲۰۰۱) میان

نماینده کارگران و فرمانداری سقز برگزار شود. یک روز زودتر یعنی دیروز شنبه ۸ دیماه (۲۹ دسامبر) با حضور ۵ نفر از نمایندگان کارگران سندیکای خبازان سقز، نماینده کارفرمایان، فرماندار و رئیس اداره کار سقز و سه نماینده استانداری کردستان در فرمانداری سقز برگزار شد. استانداری کردستان در این جلسه مصوبه ضد کارگری خود را که بر مبنای آن میزان دستمزد کارگران خباز در سال ۸۰ از سال ۷۹ کمتر بود را رسماً پس گرفت. تصمیم بعدی دولت و استانداری به ۱۵ دی ماه موکول شد. ناگفته نماند که نمایندگان رژیم اسلامی در این مذاکرات با توطئه‌گری در نظر داشتند از حضور محمود صالحی نماینده شناخته شده

میشوند و مخفیانه دست بدست میگرددند. اگر اکنون "زرق و برقی" دارد صرفاً بدلیل حمایت جمهوری اسلامی و سانسور شدید بر سر راه گسترش فرهنگ و سنت و ادبیات کمونیستی و پیشرو و سکولار در ایران و در کردستان ایران است. با فریاد "جنبش جمهوری نوین ملی" حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان بدنبالش غیر از این خزعبلات قومی و عقب مانده از مدرنیسم و نوآوری و مسائل رادیکال در جامعه کردستان ایران دفاع کنند. این جهل و خرافه پیراهنی است که بر قامت آنها دوخته است، "مبارکشان باد" با آن هر کاری میخواهند بکنند. اینها با این کار خود بر مفلوک بودن و عقیم بودن "جنبش ملی کرد" که هر روز دست در گردن هر نیروی مرتجع است و برای زنده ماندن خود بهر تهمانده ارتجاعی چنگ میاندازد، صحنه میگذارند. برخلاف ادعای سازمان زحمتکشان، این "جنبش نوین فرهنگی" حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان، جنبشی است حاشیه ای و مربوط به اوایل قرن بیستم. اگر تنها جهل و خرافه قومی و ناسیونالیستی در کردستان ایران اجازه بروز علنی را دارند، فقط به این دلیل است که ادبیات کمونیستی و رادیکال و سکولار سرکوب

در اطلاعیه‌های شماره ۱ و ۲ کمیته کردستان به اطلاع رساندیم، بدنال مصوبه ضد کارگری استانداری کردستان، سندیکای کارگران خباز سقز و حومه طی دو اطلاعیه خواهان لغو این مصوبه و افزایش دستمزد کارگران شد. سندیکای کارگران خباز در اطلاعیه شماره ۲ خود به تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۸۰ اعلام نمود که در صورت عدم موافقت با خواسته‌هایشان، دست از کار کشیده و در فرمانداری سقز تجمع خواهند کرد و همزمان از کارگران و مردم در خواست نمود

«جنبش فرهنگی»

بشدت عقب مانده اند. ادبیاتی هستند بی خاصیت و کاملاً بی ربط به مسائل واقعی جامعه و نیازهای واقعی مردم. تنها دل یک عده آدم قوم پرست و عقب مانده را خنک خواهند کرد. کردستان عراق زیر حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد پر است از این خزعبلات بی خاصیت و بی ربط به زندگی واقعی و خواسته‌ها و مطالبات مادی مردم. جا زدن و قالب کردن اینها به مردم کردستان ایران بعنوان "جنبش نوین فرهنگی" توسط حزب دمکرات و بدنال آن سازمان زحمتکشان، تلاشی است که از خود این "جنبش" ارتجاعی تر و عوام فریبانه تر. اینها دارند به یک پروژه ارتجاعی که هم اکنون نیز خط تبلیغی جمهوری اسلامی و جناحهای آن را نمایندگی میکند در مقابل سرکوب شدید و سانسور ادبیات و نشریات کمونیستی و رادیکال و سکولار در کردستان ایران مشروعیت میدهند. باید این را وسیعاً افشاء کرد.

این خزعبلات البته جزو دستاوردهای "جنبش ملی کرد"

لیست تشکلهای و بخشهای کارگری که تاکنون از خواست کارگران خباز سقز و حومه پشتیبانی کرده‌اند:

- انجمن صنفی کارگران نانوائیهای شهرستان تبریز و حومه
- انجمن صنفی کارگران خبازیهای سنندج و حومه
- انجمن صنفی کارگران خبازیهای بوکان و حومه
- انجمن صنفی کارگران خبازیهای کرمانشاه و حومه
- انجمن صنفی کارگران خبازیهای کامیاران و حومه
- انجمن صنفی کارگران خبازیهای قائم شهر و حومه
- انجمن صنفی کارگران خبازیهای شیراز و حومه
- انجمن صنفی کارگران خبازیهای مریوان و حومه
- انجمن صنفی کارگران خبازیهای بانه و حومه
- انجمن صنفی کارگران نقاش ساختمان تهران و حومه
- انجمن صنفی کارگران بیمارستان امام خمینی ساری
- انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان تبریز
- انجمن صنفی کارگران شرکت پاک پاک ساری
- انجمن صنفی کارگران رادیاتور ایران
- انجمن صنفی کارگران بناهای ویژه شیراز
- انجمن صنفی رانندگان استان قزوین
- انجمن صنفی نسخیچان و پزشکان قائم شهر

لازم به توضیح است که کمیته کردستان طی اطلاعیه شماره ۴ خود به اطلاع عموم رساند که انجمنهای صنفی خبازان شهرهای بانه و حومه و بوکان و حومه هر یک طی اطلاعیه‌های جداگانه خود خواستار افزایش دستمزد و رسیدگی به مطالباتی شدند که مدتها قبل با اداره کار و مقامات ذریبط رژیم در شهرهای خود مطرح کرده‌اند. اطلاعیه‌های کارگران خباز این دو شهر توسط کمیته کردستان باز تکثیر و به اطلاع عموم رسیده است. □

کارگران خباز سقز در مذاکرات جلوگیری کنند. این توطئه خنثی شد و محمود صالحی در این جلسه حضور پیدا کرد. کارگران خباز بر پیگیری مطالبات خود پافشاری میکنند و حمایت وسیع و گسترده از مبارزات آنها اعتماد بنفس آنها را برای به سرانجام رساندن مبارزه‌شان افزایش داده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تبریک پیشروی تاکنونی مبارزه کارگران خباز سقز و حومه و همبستگی شکوهمند کارگری بوجود آمده، خود را در کنار این مبارزه و همبستگی کارگری و طبقاتی بوجود آمده میداند. حمایت و همبستگی کارگری بوجود آمده گامی نوین از گسترش اعتراض و مبارزه کارگری در سطح ایران و تجربه مهمی برای ایجاد صنفی سراسری کارگری در مقابل سرمایه‌داران و دولت حامیشان است. دوران گسترش همبستگی کارگری و ایجاد صنفی‌های آگاهانه کارگران برای احقاق حقوقشان و به عقب راندن هرچه بیشتر جمهوری سرمایه اسلامی فرارسیده است.

زنده باد همبستگی کارگری سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۹ دی ۱۳۸۰ (۳۰ دسامبر ۲۰۰۱)

به
حزب کمونیست
کارگری کمک
مالی کنید

از سایت روزنه دیدن کنید!
www.rowzane.com
مطالب، اطلاعیه‌ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.
rowzane@yahoo.com

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!